

بمناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

با پیروزی در جبهه مبارزه برای ایجاد تشکلهای طبقاتی و توده‌ای کارگران، پیشروی در تمام جبهه‌های دیگر مبارزه تضمین می‌شود!

طبقه کارگر ایران اکنون در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌رود، که یک سال سخت و دشوار دیگر، توأم با مبارزاتی پرشور و اعتصابات گسترده را پشت سر گذاشته است.

در سالی که گذشت تعرض همه جانبه و حریصانه طبقه سرمایه دار، صاحبان صنایع و رژیم حامی آنها به سطح معیشت، کار و زندگی کارگران تداوم یافت و باز هم بر ابعاد وحشت زای ناامنی شغل و تامین معیشت و فقر و فلاکت کارگران افزوده شد. در مقابل این یورش گسترده و اوضاع دهشتناک، کارگران با اعتصابات و مبارزات بی وقفه به دفاع از خواست ها و موجودیت خود پرداختند. اعتصاب و مبارزه متهورانه کارگران شرکت واحد، اعتصاب ۵۰ روزه کارگران نساجی سنندج، اعتصاب کارگران قزوین، اعتصاب کارگران نساجی و پلی اکریل اصفهان، اعتصاب کارگران شرکت ایران خودرو، فقط نمونه‌هایی از مبارزه و رودرروئی کارگران برای تحقق خواست هایشان بوده‌اند. اگرچه سرکوب اعتراضات کارگران همواره وجهی از سیاست و عملکرد رژیم حاکم بوده اما اینبار رژیم در سرکوب اعتصاب و مبارزه کارگران شرکت واحد این وقاحت و وحشیگری را به اوج خود رساند.

مبارزات و اعتصابات رو به گسترش کارگران ایران بویژه در یک سال اخیر و حمایت بین‌المللی از خواست ها و مطالبات آنان بیش از هر زمان دیگری زمینه های مادی ایجاد تشکلهای طبقاتی و توده‌ای کارگران را فراهم آورده و ضرورت برپایی این تشکلها را در برابر فعالین جنبش کارگری بویژه فعالین سوسیالیست این جنبش قرار داده است. در فقدان تشکلهای طبقاتی و سراسری کارگری است که رژیم جمهوری اسلامی می‌تواند با مانور و بسیج نیرو مبارزات رو به گسترش کارگران در بخش‌های مختلف که بدون ارتباط و جدا از هم جریان می‌یابد را سرکوب کند.

طبقه کارگر در دل مبارزات چند سال اخیر خود علیه سرمایه و برای دستیابی به مطالباتش، نسلی از فعالین و رهبران را پرورده و به جلو صحنه رانده است. این پیشروان کارگری با آگاهی به مطالبات کارگران و چشم انداز روشنی که از مبارزه برای منافع کل طبقه کارگر دارند، تلاش برای ایجاد تشکلهای طبقاتی و توده‌ای را در اولویت کار خود قرار داده‌اند. تشکیل کمیته پیگیری و کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری، تشکیل کمیته های کارخانه و کوشش برای ایجاد تشکل سراسری کارگران بیکار گام‌هایی با ارزش در همین راستا بوده‌اند. اکنون زمان آن رسیده که برای ایجاد تشکل های کارگری دست بکار شد و اقداماتی عملی را در دستور کار قرار داد و نگذاشت نهادهای کارگری که به همین منظور تشکیل شده‌اند به اهدافی در خود تبدیل شوند. تجربه مبارزه و چگونگی ایجاد سندیکای کارگران شرکت واحد بار دیگر بر این واقعیت تاکید کرد که با شرکت دادن هر چه گسترده‌تر کارگران در پروسه ایجاد این تشکلهای طبقاتی و توده‌ای می‌توان این تشکلها را بر پا



تشکل طبقاتی و توده‌ای به نیروی خود کارگران!

کارگران ایران در طول حیات رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی هیچگاه از طریق ماسحات و تمنا کردن و درخواست نمودن از دولت و نهادهای وابسته موفقیت در تحقق خواست‌ها و مطالبات خود بدست نیاورده‌اند و هرگونه پیشروی جنبش کارگری در همه زمینه‌ها متکی بر مبارزه مستقیم و تلاش و جانفشانی‌های گسترده خود کارگران بوده است.

صفحه ۲

قدرت طبقه کارگر در تشکل اوست!



مبارزه و اعتصاب بخش‌های مختلف جنبش کارگری و بویژه تجربه تشکیل و ادامه کاری سندیکای کارگران شرکت واحد بر درستی همین موضوع تاکید دارد که زمانی که در تشکیل یک تشکل توده‌ای کارگری تعداد

گسترده‌ای از خود کارگران و فعالین کارگری شرکت دارند امکان تحمیل آن به رژیم و ادامه کاری آن نیز تضمین خواهد شد. کارگران شرکت واحد با مبارزه جسورانه خود ادامه کاری سندیکایشان را تضمین کرده و بر رژیم تحمیل کرده‌اند. و نشان دادند که تنها از طریق مشارکت و مبارزه جمعی کارگران است که می‌توان تشکل طبقاتی و مستقل کارگران را به رژیم تحمیل نمود.

صفحه ۳

رویدادی تاریخی در جنبش زنان

صفحه ۶

برنامه‌های تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست ایران به مناسبت اول ماه مه!

صفحه ۸

جلال محمد نژاد

تشکل طبقاتی و توده‌ای به نیروی خود کارگران!

دارد که زمانی که در تشکیل یک تشکل توده‌ای کارگری تعداد گسترده‌ای از خود کارگران و فعالین کارگری شرکت دارند امکان تحمیل آن به رژیم و ادامه کاری آن نیز تضمین خواهد شد. کارگران شرکت واحد با مبارزه جسورانه خود ادامه کاری سندیکایشان را تضمین کرده و بر رژیم تحمیل کرده‌اند. و نشان دادند که تنها از طریق مشارکت و مبارزه جمعی کارگران است که می‌توان تشکل طبقاتی و مستقل کارگران را به رژیم تحمیل نمود.

روشن است که نقش فعالین و پیشروان کارگری امری حیاتی و سرنوشت ساز است. برای ایجاد تشکل کارگری این پیشروان و رهبران کارگری هستند که کارگران را به مشارکت و دخالت فعال تشویق کرده و چشم‌انداز و افق پیروزی آنرا ترسیم خواهند کرد. کار روشنگری سیاسی و ایجاد آمادگی و زمینه‌های ذهنی مناسب برای ایجاد تشکل مستقل کارگری وظیفه‌ای است که اساسا بردوش پیشروان و فعالین جنبش کارگری و بویژه فعالین سوسیالیست قرار دارد. بدون به میدان صحبتی از پیشرفت و موفقیت در این زمینه نمی‌تواند در میان باشد. بر این اساس ارتباط، همکاری و هماهنگی بین پیشروان کارگری در بخش‌های مختلف جنبش کارگری بویژه در صنایع بزرگ و کلیدی امری کاملا ضروری و حیاتی است.

نقش جریان رادیکال

کارگران ایران در طول حیات رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی هیچگاه از طریق مامشات و تمنا کردن و درخواست نمودن از دولت و نهادهای وابسته موفقیت در تحقق خواست‌ها و مطالبات خود بدست نیاورده‌اند و هرگونه پیشروی جنبش کارگری در همه زمینه‌ها متکی بر مبارزه مستقیم و تلاش و جانفشانی‌های گسترده خود کارگران بوده است. تلاش رژیم برای قالب کردن خانه کارگر و

ادامه کاری تشکل سراسری کارگران و تحمیل آن در این شرایط به رژیم سرمایه‌داران وجود دارد که بر نیروی مادی و مبارزه مستقیم خود کارگران متکی باشد. متشکل شدن کارگران چه در سطح کارخانه و رشته‌های تولیدی و چه در سطح سراسری به نیروی خود کارگران امکان پذیر است. اگر صحبت بر سر اینست که تشکلات طبقاتی و توده‌ای کارگران در ابعاد سراسری ایجاد شود که اراده جمعی میلیون‌ها عضو طبقه کارگر را نمایندگی نماید، لذا ضروری است که تلاش برای ایجاد تشکل مستقل کارگری حتما مشارکت گسترده کارگران و فعالین کارگری در سطح صنایع بزرگ و کلیدی را شامل شود. ارتباط بین فعالین و پیشروان کارگری در صنایع بزرگ و مراکز کلیدی تولیدی برای هماهنگ نمودن و سراسری کردن مبارزات کارگری و در امر ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری امری بسیار مهم و پایه و اساس پیشروی در این زمینه است. اتحاد و تشکل رمز موفقیت کارگران در پیشبرد مبارزه برای تحقق مطالباتشان است و تشکل کارگری نیز چه در سطح کارخانه، چه در سطح رشته‌ها و صنایع تولیدی و چه در سطح سراسری در میدان مبارزه عملی و به اتکاء دخالت مستقیم کارگران ایجاد خواهد شد. تعداد هرچه وسیع‌تری از کارگران شاغل و بیکار در رشته‌های مختلف تولیدی لازم است به عضویت تشکل‌های مورد نظر در آمده و برای تثبیت و ادامه کاری تشکل مستقل و طبقاتی خویش تلاش نمایند به این اعتبار تلاش برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری نمی‌تواند به تنهایی امر تعداد محدودی موسسین باشد و لازم است مشارکت وسیع‌تر آحاد کارگری و فعالین و پیشروان کارگری را در برگیرد.

مبارزه و اعتصاب بخش‌های مختلف جنبش کارگری و بویژه تجربه تشکیل و ادامه کاری سندیکای کارگران شرکت واحد بر درستی همین موضوع تاکید

گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری ضرورت ایجاد تشکل طبقاتی و مستقل کارگران را در جامعه کارگری ایران و افکار عمومی تثبیت کرده است. بحث‌های مربوط به ایجاد تشکل کارگری در بین فعالین و پیشروان کارگری امری پذیرفته شده و غیرقابل برگشت است. صدها نمونه از اعتراض و اعتصاب کارگری، به میدان آمدن تعداد زیادی از رهبران و فعالین کارگری و حمایت و پشتیبانی‌های بین‌المللی، تناسب قوا و زمینه‌های مساعدتری را برای پیشبرد اقدامات عملی در راستای برپا کردن تشکلات مستقل کارگری ایجاد کرده است و این سوال را که تشکل مستقل کارگری از کدام مسیر عملی و اجتماعی می‌گذرد، به امری مبرم‌تر تبدیل کرده است.

مشارکت گسترده کارگران

در جامعه‌ای که کارگران از هرگونه حق تشکل، اعتصاب و ابراز وجود سیاسی اجتماعی محروم گشته‌اند و در این فضای خفقان و دیکتاتوری که هرگونه مبارزه کارگری با سرکوب و زندان و خشونت پلیسی مواجه می‌شود کارگران چاره‌ای ندارند غیر از اینکه به نیروی مبارزه و تلاش مستقیم خود برای تحقق مطالبات خویش متوسل شوند و موفقیت عملی در این زمینه جز با ایجاد تشکل مستقل کارگران که راهنما و حافظ منافع عمومی آنها باشد، امکان پذیر نیست. اتحاد و همبستگی عمومی کارگران پشتوانه اصلی در موفقیت آنها در پیشبرد مبارزه و تحقق دستاوردهایشان است. پذیرفته شدن امر مهم و حیاتی متشکل شدن و اقدام عملی برای ایجاد آن از جانب توده گسترده کارگران در کارخانجات و صنایع بزرگ و کلیدی ضرورتی انکارناپذیر است. به این اعتبار می‌بایست تعداد هرچه بیشتری از کارگران در پروسه برپا کردن تشکل مستقل خویش دخیل بوده و سنگ بنای این تشکل توسط خود کارگران بنا شود. تنها در صورتی امکان

کرد و عملا آنها را به صاحبان سرمایه و رژیم حامی آنها تحمیل کرد.

اکنون در آستانه اول ماه مه فعالین و پیشروان کارگری برای هرچه هماهنگ‌تر و با شکوه‌تر برگزار کردن مراسم این روز به نشانه همبستگی جهانی مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه برنامه ریزی می‌کنند. در مراسم اول ماه مه امسال جا دارد که ضمن تاکید بر خواست‌های محوری طبقه کارگر ایران، تاکید بر آزادی منصور اسانلو و دیگر کارگران در بند، خواست لغو فوری و بدون قید و شرط حکم زندان دستگیر شدگان اول ماه مه شهر سقز در سال ۸۳، توجه توده هر چه بیشتری از کارگران را به اهمیت و ضرورت تمرکز نیرو و مبارزه برای ایجاد تشکل‌های طبقاتی کارگران معطوف کنیم. با پیروزی در این جبهه است که پیشروی در تمام جبهه‌های دیگر مبارزه تضمین می‌شود. تنها طبقه کارگر متشکل است که می‌تواند حکم جهانی طبقه کارگر مبنی بر به رسمیت شناختن اول ماه مه بعنوان روز جهانی کارگر، تعطیل رسمی این روز و آزادی کامل کارگران در چگونگی برگزاری مراسم روز کارگر را عملی کند و به اجرا در آورد.

کارگران ایران همزمان با مارش بین‌المللی اول ماه مه، جدال و کشمکش رژیم جمهوری اسلامی با غرب و اسرائیل به رهبری آمریکا که چیزی جز دعوای درون جبهه سرمایه داری نیست را محکوم می‌کنند و با آگاهی به ماهیت ارتجاعی سیاست‌های دو طرف این مناقشه و عواقب و پیامدهای آن نقش واقعی خود را در صف مقدم مبارزه علیه جمهوری اسلامی و مبارزه جهانی علیه جنگ و میلیتاریسم امپریالیستی ایفا می‌کنند.

زنده باد اول ماه مه

روز همبستگی جهانی

طبقه کارگر

کمیته مرکزی

حزب کمونیست ایران

اردیبهشت ۱۳۵۸ آوریل ۲۰۰۶



بهرام رحمانی

قدرت طبقه کارگر در تشکل اوست!

علیه سیستم سرمایه داری تحت شعار «کارگران جهان متحد شوید!» دعوت کرده‌اند و در این امر تردیدی نیست که پیشروان جنبش کارگری هم به اهمیت مبارزه متشکل واقفند. مضافاً اینکه سیستم ستم‌گر و استثمارگر سرمایه‌داری خود ضرورت اتحاد و همبستگی را به کارگران تحمیل می‌کند، اما این نکته و صرفاً آگاهی به اتحاد و همبستگی، برای پیشبرد امر مبارزه طبقاتی کافی نیست. زیرا از آگاه شدن به اهمیت اتحاد در میان کارگران، تا شکل‌گیری طبقه کارگر آگاه که از یک سو به همه زمینهای مبارزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی احاطه پیدا کند و از سوی دیگر به ترفندها و سیاست های سرمایه‌داری آشنا باشد، راه طولانی را باید طی کرد. مسلماً دستیابی به آگاهی به آسانی حاصل نمی‌شود. هجوم دایمی سرمایه به حقوق و معیشت کارگران، هجوم سازمان یافته یک طبقه به طبقه دیگر است و هیچ ربطی به خصلت این و یا آن کارفرما و حزب و غیره ندارد. در طول تاریخ، طبقه کارگر در هیچ گوشه از جهان از تعرض دایمی طبقه سرمایه دار چه در گذشته و چه اکنون مصون نبوده است. از این رو اگر طبقه کارگر به طور دایمی علیه سرمایه‌داری مبارزه نکند و دستاوردهای خود را تثبیت و اهداف و برنامه‌های خود را برای کسب قدرت سیاسی ارتقاء ندهد، موقعیت ناپایدار و متزلزلی خواهد داشت. نوع تشکل و اهدافی که در مقابل این تشکل قرار داده می‌شود، یک شاخص عینی و واقعی در سطح یک کشور است که بیانگر سطح آگاهی طبقاتی است. آن طبقه‌ای قادر است عملاً در مقابل یورش دایمی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سرمایه‌داری سنگرهای خود را حفظ کند که در مبارزه بر علیه ستم و استثمار سرمایه‌داری پیشگام است و در افق و آرزوهای خود سازمان‌دهی انقلاب اجتماعی برای رهایی ←

اکنون که در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر قرار داریم، خواستها و مطالبات کارگران با تاکید بیشتر بر پرداخت دستمزدهای معوقه، تعیین سطح دستمزد متناسب با تورم و گرانی واقعی برای سال ۱۳۸۵، لغو کارهای پیمانی تا بیمه بیکاری و حق تشکل مستقل و حق اعتصاب و غیره طرح و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در این مجال هدف نه پرداختن به همه این مطالبات، بلکه طرح تشکل مستقل کارگری است که اساساً بدون تشکل نمی‌توان حتی جزئی‌ترین مطالبات را پیگیری کرد و در مقابل هجوم روزانه بورژوازی به سفره خالی کارگران نه تنها مقاومت کرد، بلکه راه پیشروی را هموار کرد. طبقه کارگر ایران تجربه طولانی در امر تشکلیابی ندارد. یکی از دلایل مهم عدم تشکلیابی طبقه کارگر ایران، وجود سرکوب و اختناق دایمی در این کشور است. البته عدم آگاهی عمیق طبقه کارگر به منافع و نیروی مستقل خود و انفعال و تفرقه نیز علل دیگر تشکلیابی کارگران ایران است. مجموعه این شرایط، موقعیت کنونی طبقه کارگر ایران را توضیح می‌دهد. طبقه کارگری که از وجود تشکل‌های مستقل خود (مستقل از دولت و سرمایه‌داران) محروم است، در مقابل سیستم پیچیده سرمایه‌داری ناتوان حضور دارد. در پایه‌ای‌ترین سطح نمی‌تواند دستمزدهای خود را متناسب با تورم واقعی افزایش دهد، در ایران بیکاری به حد انفجار رسیده است و با تعطیلی پی‌درپی محیط‌های کاری کارگران زیادی نیز بیکار می‌شوند، حتی دستمزد ناچیز کارگران را نیز به موقع پرداخت نمی‌کنند، بیمه بیکاری معنی و مفهوم جدی برای بقای کارگر و خانواده اش پیدا می‌کند. بنابراین بررسی وضعیت جنبش کارگری و طبقه کارگر از نقطه نظر تشکیلاتی و سازمان یافتگی اهمیت ویژه‌تری دارد. کمونیست‌ها همواره طبقه کارگر را به اتحاد و همبستگی و مبارزه پیگیر

ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری بر متن مبارزه و اعتراض مستقیم کارگران وظیفه مهمی است که در آستانه اول ماه مه برجستگی بیشتری پیدا خواهد کرد. تلاش برای توافق بر سر اتخاذ استراتژی رادیکال و مستقل در امر ایجاد تشکل توده‌ای و طبقاتی کارگران ضروری است در دستور کار همه ما فعالین پیشرو و نهادهای کارگری قرار گیرد که خود را متعلق به گرایش چپ درون جنبش کارگری دانسته و نقطه عزیمت خود را نه الزامات مرزبندی‌های فکری و ایدئولوژیکی بلکه اتحاد طبقاتی و سراسری کارگران و تامین منافع عموم و استراتژیک آنان قرار داده‌اند. روز اول ماه مه کارگران جهان برای نشان دادن اتحاد و همبستگی جهانی و اعلام اعتراض انترناسیونالیستی خود علیه نظام سرمایه‌داری رژه خواهند رفت. بگذار ما کارگران ایران ضمن شرکت در این مارش جهانی، شعار «تشکل مستقل کارگری به نیروی خود کارگران» را در ابعاد هرچه گسترده تری در جامعه کارگری ایران طرح نموده و به گوش جهانیان برسانیم و از کارگران جهان درخواست کنیم که همچون اعتراض جهانی علیه رژیم جمهوری اسلامی در ۱۵ فوریه صدای حمایت و همبستگی خود را با کارگران ایران رساتر نمایند. تلاش مشترک نهادها و فعالین پیشرو جنبش کارگری برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر اول ماه مه در سطح سراسری و طرح خواست تشکل مستقل کارگری و سایر مطالبات کارگران در ابعاد وسیع اجتماعی قطعاً قدم مثبت رو به جلو خواهد بود.



→ شوراهای اسلامی به عنوان نماینده مستقیم کارگران هیچگاه موفقیت پیدا نکرده است. اکثر مبارزات کارگران علیه قانون کار ارتجاعی، برای کسب دستمزدهای معوقه، علیه اخراج کارگران و غیره شکل سیاسی پیدا کرده و مورد سرکوب شدید نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفته است. آخرین نمونه تجربه مبارزات کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی نیز همین را بار دیگر نشان داد و رژیم جمهوری اسلامی اوج توحش و بربریت را در برخورد به اعتصاب کارگران شرکت واحد نشان داده و تعداد وسیعی از آنها را به زندان کشانده و مورد اذیت و آزار قرار داد. این واقعیتی است که در جریان مبارزه عملی به کرات اثبات شده است. علیرغم همه این تجربه و پشتوانه تاریخی هنوز بخشی از گرایش رفرمیست در داخل جنبش کارگری حاضر نیست بپذیرد که درخواست برسمیت شناختن تشکل مستقل کارگران از روسای جمهوری خاتمی و احمدی‌نژاد، از خانه کارگر و دیگر ارگان‌های دولت یک استراتژی کاملاً سازشکارانه و انحرافی و تلاش بی‌شماری است که در نظر دارد اعتراض و مبارزه کارگران را در چهارچوب قانون اساسی رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی محدود نماید. تجارب عملی مبارزات و اعتراضات کارگری نشان داده است که جریان رادیکال که استراتژی خود را بر مشارکت و دخالت گسترده کارگران و اتکاء به نیروی مبارزه و عمل مستقیم آنان و اتخاذ جهت گیری سوسیالیستی و ایجاد تشکل طبقاتی و مستقل کارگران از دولت و سرمایه داران قرار داده است از زمینه مادی و اجتماعی واقعی برای پیشرفت در زمینه مهم نیز برخوردار است. هژمونی پیدا کردن استراتژی مستقل و رادیکال برای ایجاد تشکل توده‌ای کارگران امری است که بیش از هرچیز پیشروی ما فعالین پیشرو و سوسیالیست در درون جنبش کارگری قرار دارد. ایجاد شبکه گسترده ارتباطی و هماهنگی در بین فعالین جنبش کارگری در صنایع کلیدی و عرصه‌های بزرگ و کوچک اقتصادی و تلاش روشنگرانه برای ترسیم چشم‌انداز و افق رادیکال در پیشروی جنبش

بشریت از چنگال سرمایه‌داری
 → را قرار می‌دهد و گام به گام
 آگاهی خود را در سازماندهی درونی
 و تشکل خود انعکاس می‌دهد و به
 صورت منسجم تشکلهای و سازمان
 های مبارزاتی خود را در قالبهای
 مختلف به وجود می‌آورد.

بدین ترتیب مبارزه طبقاتی، اساسا
 مبارزه‌ای متشکل و متحد است.
 همچنان که بورژوازی اساسا سیستم
 اقتصادی طبقه خود را بر مالکیت
 خصوصی بر وسایل تولید و وجود
 سرمایه‌های خصوصی قرار داده است.
 اما مبارزه سرمایه‌داری علیه طبقه
 کارگر، برای در زنجیر نگاه داشتن
 کارگران، استثمار و کسب سود بیشتر
 در جهت تحکیم سرمایه صورت می‌گیرد.
 بنابراین مبارزه طبقه سرمایه‌دار علیه
 طبقه کارگر نه مبارزه فردی و خصوصی
 این و یا آن کارفرما و سرمایه‌دار،
 بلکه مبارزه یک سیستم با کلیه
 ابزارهای لازم آن است. دولت بورژوازی
 نوعی از تشکل و سازمان درونی
 طبقه سرمایه‌دار است که همه افراد و
 شرکتها و کارتلها در حفظ این
 دولت نقش و نفع دارند. انواع و
 اقسام احزاب بورژوازی، ارتش، پلیس،
 دادگاهها، پارلمان، مسجد، کلیسا،
 سندیکاها، کارفرمایان و به طور
 کلی از تشکلهای اقتصادی، سیاسی
 و اجتماعی عمده سیستم سرمایه‌داری
 تا صدها و هزاران نهاد، انجمن،
 کانون، کمیسیون، فدراسیون، کنگره‌های
 اقتصادی و فرهنگی، پیمان‌هایی نظیر
 پیمان ناتو و غیره برای بقای طبقه
 سرمایه‌دار سازماندهی شده است.
 بنابراین دولت و همه ارگانها و
 نهادهای بورژوازی در خدمت اداره
 یک جامعه براساس منافع یک طبقه
 معین بنا شده‌اند و همگی ارگانها
 حاکمیت یک طبقه هستند. تا روزی
 که طبقه کارگر نتواند در مقابل
 ارگانها بورژوازی ارگانهای مبارزاتی
 خویش را به وجود آورد، بورژوازی را
 زیر بکشد، همچنان زیر ستم و استثمار
 باقی خواهد ماند.

هنگامی که مردم محروم و کارگران
 حکومت سلطنتی را سرنگون کردند،
 همه به روشنی دیدند که چگونه
 سرمایه و سرمایه‌دار داخلی و جهانی،
 با توسل به مذهب و ارگانهای مذهبی

در جهت حفظ طبقه خود، با
 سرکوب‌های خونین مانع
 پیشروی انقلاب ۱۳۵۷ شدند.
 تاریخ طبقه کارگر، تاریخ
 سازمان‌یابی و تشکلهای
 مستقل طبقه کارگر و مبارزه
 طبقاتی است. در طول تاریخ
 دویست سال گذشته، کارگران

تشکلهای مختلفی نظیر اتحادیه‌های
 کارگری، شوراهای کارگری، احزاب
 سوسیالیست و کمونیست و
 انترناسیونال‌های بین‌المللی کارگران
 کمونیست را به وجود آوردند.
 انقلاب‌هایی همچون کمون پاریس و
 انقلاب ۱۹۱۷ روسیه را به پیروزی
 رساندند تا دولت کارگری خود را به
 وجود آورند. کمیته‌های اعتصاب،
 کارخانه، مجمع عمومی، صندوق
 اعتصاب، کمیته‌های انقلابی در
 کارخانجات و محلات، اتحاد عمل‌های
 کارگران پیشرو با یکدیگر و غیره
 همه اشکال گوناگون سازمان‌یابی درونی
 طبقه کارگر هستند که بستگی به
 شرایط و موقعیت کارگران تشکیل
 می‌شوند و دست به مبارزه‌های یخش
 می‌زنند.

تاریخ ۲۷ ساله اخیر جنبش کارگری
 ایران و به ویژه سالهای اوایل انقلاب
 که نسبتا فضای سیاسی و اجتماعی
 باز و فعال‌تری وجود داشت، این
 واقعیت را نشان داده است که طبقه
 کارگر ایران، در تشکل‌پذیری و
 سازماندهی مبارزه خود ضعیف و
 بی‌تجربه است. اگر بر این بی‌تجربگی،
 موقعیت مشقت‌بار اقتصادی و
 سرکوب‌های عریان سیاسی را اضافه
 کنیم، خواهیم دید که طبقه کارگر
 ایران فاقد تشکلهای مستقل سراسری
 است و توده کارگران اهمیت چندانی
 به کار و فعالیت و مبارزه سازمانی
 نمی‌دهند. سازمانها و احزاب چپ و
 سوسیالیست یا دچار خود بزرگبینی
 و سکتاریسم هستند و ربط چندانی
 به مبارزه طبقه کارگر ندارند و یا اگر
 هم آن احزاب و سازمانها و نهادهایی
 که به این عرصه اهمیت می‌دهند و
 خود را بخشی از طبقه کارگر تعریف
 می‌کنند، اما در سطح سراسری ضعیف
 هستند. به همین دلایل با وجود
 برگزاری روزانه دهها اعتصاب و
 اعتراض کارگری، هنوز دستاوردهای



فوق‌العاده محدودی به بار آورده است.
 تلاش‌های تاکنونی برای تشکل‌یابی
 مستقل کارگران، چندان اقدام قابل
 لمسی در زمینه ارتباطات سراسری
 کشوری میان نهادها و تشکلهای
 موجود که در سالهای اخیر اعلام
 موجودیت کرده‌اند در کارخانجات
 مختلف و در میان مبارزات پراکنده
 کارگران صورت نگرفته است.

مسئله در هر دوره و در هر هجوم
 سرمایه‌داران و کارفرمایان و رژیم
 سرمایه‌داران، کارگران آرایش تشکلیاتی
 خاص خود را می‌گیرند و به طور
 متحد و متشکل در مقابل دشمن
 طبقاتی خود می‌ایستند. مهم‌تر از
 آن، کارگران متشکل در هر شرایطی
 آمادگی تشکلیاتی خود را در برابر
 هجوم سرمایه حفظ می‌کنند. کارگران
 طی مبارزه به همدیگر نزدیک می‌شوند
 و با اتحاد و همبستگی تشکلهای
 سراسری خود را به وجود می‌آورند.
 خلاصه کلام ضعف طبقه کارگر ایران
 در امر تشکلیاتی، از زمینه‌های تاریخی
 برخوردار است. رفع آن نیز به تاریخ
 و رشد طبقه کارگر نیاز دارد. در
 سالهای اخیر برای برطرف کردن این
 ضعف گام‌هایی به پیش برداشته شده
 است، اما این ضعف همچنان بر دوش
 کارگران پیشرو و کمونیست سنگینی
 می‌کند.

در نهایت سرنگونی جمهوری اسلامی
 و استقرار حکومت کارگری، مستلزم
 ایجاد و رشد و گسترش آگاهی و باور
 به قدرت مستقل در درون طبقه کارگر
 است. اگر طبقه کارگر این ضعف خود
 را برطرف نماید، از قدرت و پتانسیل
 انقلابی قدرتمندی برخوردار است.
 طبقه‌ای که نه تنها می‌تواند در مقابل
 تهاجمان رژیم بایستد، نه تنها می‌تواند
 در مقابل سیاست‌های سرمایه‌داران و
 کارفرمایان از حق و حقوق خود دفاع
 کند، بلکه می‌تواند رهبری واقعی
 جنبش توده‌ای عظیم بر علیه رژیم

جمهوری اسلامی را برعهده گیرد.
 طبقه‌ای که می‌تواند ماشین دولتی را
 در هم بکوبد و خود قدرت سیاسی را
 به دست گیرد و کل جامعه انسانی را
 از چنگال زور و ستم و اختناق و
 استثمار سرمایه‌داری برهاند.

امروز تاکید بر این نکته که نه
 جریانبات بورژوازی از طیف
 توده‌ای-اکثریتی، سلطنت‌طلبان و
 جمهوری‌خواهان رنگارنگ و نه گرایشات
 مختلف ملی و مذهبی، نه لشکرکشی
 و جنگ و کشتار و ویرانی آمریکا و
 متحدانش، بلکه طبقه کارگر سراسر
 ایران است که می‌باید در پیشاپیش
 توده‌ها و مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب،
 بساط جمهوری اسلامی را برچیند،
 یک وظیفه حتمی و تاریخی طبقه
 کارگر است.

اما مساله اساسی در مقطع اول ماه
 مه، این است که آگاهی و باور
 کارگران به قدرت مستقل خود، یک
 جنبه بسیار مهم طبقاتی است. قدرت
 طبقه کارگر در اتحاد و تشکل و
 مبارزه پیگیر او علیه سیستم سرمایه‌داری
 است. در غیاب تشکل قدرتمند و در
 غیاب تاکید به مبارزه متشکل،
 نمی‌تواند حتی دستمزدهای معوقه
 خود را بگیرد تا چه برسد به تعیین
 دستمزدها متناسب با تورم و گرانی
 واقعی. بنابراین وقتی به ضعف طبقاتی
 خودمان انگشت می‌گذاریم، هدف این
 است که طبقه ما باید تشکیلات خود
 را مستقیما به قدرت خود به وجود
 آورند و از طریق مبارزه جمعی به
 سرمایه‌داران و رژیم حامی سرمایه
 تحمیل کند. برای مثال کنفدراسیون
 بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد
 ICFTU ۱۵ فوریه ۲۰۰۶ را به
 عنوان روز جهانی حمایت از کارگران
 ایران اعلام کرد. گفته شده است که
 این کنفدراسیون ۱۴۵ میلیون عضو
 در ۲۳۱ سازمان وابسته در ۱۴۵
 کشور در سرتاسر جهان دارد و مقر
 این سازمان در بروکسل بلژیک است.
 این فراخوان در سطح تبلیغی خوب
 بود، اما در هیچ جای جهان سندیکاها
 و فدراسیون‌های عضو این کنفدراسیون
 به طور جدی پای برگزاری آکسیون‌های
 اعتراضی در مقابل سفارتخانه‌های
 جمهوری اسلامی و یا میادین
 شهرها در دفاع از کارگران ←

کنار هم قرار گیرند و در همه سطوح مسئولیت‌های تشکیلاتی-سیاسی دخالت کنند. حتی تا جایی که مقدور است کارگران شاغل و بیکار نیز در این مجامع در کنار هم بنشینند. بالاخره باید حزب قدرت‌مند طبقاتی ساخت که کلیه ابعاد مبارزه جنبش کارگری کمونیستی را رهبری کند تا طبقه کارگر بتواند با سرنگونی جمهوری اسلامی، حکومت کارگری را مستقر سازد.

باید مبارزه کرد، اعتصاب کرد، دست به تظاهرات زد، همبستگی به وجود آورد، به این منظور هر تشکلی به وجود می‌آوریم و هر اسمی برای این تشکل خود می‌گذاریم، یک مسئله عمده و بسیار مهم است تا بتوانیم از توان واقعی نیروی عظیم توده کارگران برخوردار باشیم، یعنی باید مجامع عمومی را برگزار کنیم، در این مجامع تصمیم جمعی بگیریم و جمعی هم پیش ببریم. در این مجامع زن و مرد کارگر با برخورداری از حقوق برابر در

تشکل می‌توان خواهان شکنجه و اعدام و خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی شد؟ با کدام تشکل می‌توان در مقابل ارتش و پلیس و پاسدار و بسیج و بی‌داده‌های رژیم ایستاد؟ و در یک کلام هنگامی می‌توان در مقابل هجوم اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کارفرمایان و جمهوری اسلامی مقاومت کرد که تشکیلات مناسب این مقاومت را پی‌ریزی کرد. طبیعی است که برای ایستادگی در مقابل هجوم سرمایه و رژیم حامی سرمایه،

ایران نرفتند؛ حتی اطلاعیه خود کنفدراسیون دو روز قبل از آکسیون، یعنی ۱۳ فوریه روی سایت اینترنتی این کنفدراسیون قرار داده شد. توضیح دفتر مرکزی این کنفدراسیون در بروکسل، در مقابل این سؤال که چرا فراخوان را در سایت اینترنتی‌تان قرار نداده‌اید، این بود که مسئول فنی سایت فراموش کرده است(!) فقط در استکهلم، کلوب ۱۱۹ رانندگان مترو و حمل و نقل آکسیونی آنهم با فشار در روز ۱۸ فوریه در میدان مرکزی استکهلم فراخوان داد. با «ال.او» کنفدراسیون سندیکاهای کارگری سراسری سوئد بارها تماس گرفته شد، اما مسئولین این کنفدراسیون حاضر نشدند آکسیونی را فراخوان بدهند. این وضعیت تلخ و تاسف‌بار است، اما واقعیت دارد. البته ناگفته نماند که حتی کنفدراسیون‌های کارگری در غرب، در مقابل هجوم سرمایه به دستاوردهای طبقه کارگر، مبارزه جدی سازمان نمی‌دهند و دیوارهای بلند بوروکراسی چنین اجازه‌ای را به آنها نمی‌دهد. اما بر خلاف نظر برخی‌ها که ظاهراً از موضع «سوپر چپ؟!»، مراجعه به کنفدراسیون‌های کارگری را «کفر» می‌دانند، در هر سطحی باید برای همبستگی و پشتیبانی میان طبقه کارگر ایران و جهان تلاش کرد. بنابراین در ایران و یا هر نقطه‌ای از جهان باید خود کارگران مستقیماً با اتکا به نیروی خود تشکل‌هایشان را به وجود آورند. از این رو بسیار مهم است که طبقه کارگر ایران، هنگامی که به معنی واقعی به کسب قدرت سیاسی می‌اندیشد، نیاز به این مسئله مهم‌تری دارد، یعنی طبقه کارگر بررسی کند که با کدام تشکیلات می‌تواند مبارزه خود را به سرانجام برساند و قدرت سیاسی را کسب کند. با کدام تشکل می‌توان در مقابل بیکارسازی‌ها و عدم پرداخت دستمزدهای معوقه ایستاد؟ با کدام تشکل می‌توان در مقابل هجوم به آزادی‌های سیاسی ایستاد؟ با کدام تشکل می‌توان تبعیض بر زنان و جدایی زن و مرد را از میان برداشت؟ با کدام تشکل می‌توان کار کودکان را لغو کرد و دنیای زیبایی برای کودکان تدارک دید؟ با کدام



Long live 1 May



همصدا و متحد به تدارک

اول ماه مه، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر برویم. سیاستهای ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را افشا کنیم و صدای کارگران ایران را که از ابتدای‌ترین حقوق، یعنی حق اعتصاب و تشکل مستقل خود محروم هستند، به گوش جهانیان برسانیم.



اطلاعیه‌ای از مدیریت تلویزیون کومه‌له در باره تغییر مشخصات فنی

همانگونه که اطلاع دارید مدت ۲ ماه است که کانال ماهواره‌ای تلویزیون کومه‌له آغاز بکار کرده و بمدت ۲ ساعت در روز برنامه آزمایشی پخش نموده است. اما متأسفانه بینندگان این کانال در کردستان و در قسمتهای وسیعی از ایران به دلیل نارسایی فنی نتوانسته‌اند از آن بخوبی استفاده کنند. ما در اطلاعیه قبلی گفته بودیم که سعی خواهیم کرد که این مشکل فنی را برطرف کنیم. بدین وسیله به اطلاعاتتان میرسانیم که خوشبختانه این کار انجام گرفته و از این پس مشخصات فنی پخش برنامه‌های تلویزیون کومه‌له به قرار زیر خواهد بود:

Hot bird 3 Freq 12476
Pol H Sym 27500 Fec 3/4

برنامه‌های آزمایشی این کانال از ساعت ۸ بعدازظهر به وقت ایران آغاز میشود و در طول روز در حد امکان تکرار میگردد. ما انتظار داریم که بینندگان عزیز از طریق شماره تلفن و ایمیل زیر ما را از چگونگی دریافت سیگنالهای آن مطلع کنند.

info@komalah.org

۰۰۴۶-۷۳۹ ۳۳۴ ۹۲۴

تاسیس و اداره تاکنونی تلویزیون کومه‌له محصول پشتیبانی بیدریغ مادی و معنوی مردم مبارز، هواداران جنبش انقلابی کردستان و فعالین کومه‌له بوده است. ما امیدواریم که از این پس نیز این پشتیبانی و کمکها در همه زمینه‌ها ادامه داشته باشد و ما هم بتوانیم بزودی پخش عادی برنامه‌ها را آغاز کنیم.

مدیریت تلویزیون کومه‌له

۱۰ فروردین ۱۳۸۵ ۳۱ مارس ۲۰۰۶

رویدادی تاریخی در جنبش زنان

محمود قهرمانی

ندیده بگیرد، زن در عین جنسیت در طبقه‌ای با مردان قرار دارد، آیا می‌توان تصور نمود که زن کارگری در جامعه سرمایه‌داری معاصر نخست وزیر و یا رئیس جمهور شود؟ ساده‌تر از آن آیا می‌توان تصور نمود که زن کارگری

بتواند با مرد سرمایه‌داری زندگی مشترکی داشته باشند؟ اختلافات طبقاتی، منافع مختلف طبقاتی آنها را از هم جدا کرده است و در مناسبات امروز جامعه سرمایه‌داری جنسیت جای طبقه را نگرفته است، همانقدر که زنان سرمایه‌دار در ستم‌کشی و استثمار، در سود و سرکوب و... منافع مشترک و یکسانی با مردان سرمایه‌دار دارند. بیش از آن زنان کارگر با مردان کارگر هم سرنوشتی و منافع مشترک دارند. آیا خانم رایس از منافع زنان و از برابری حرفی می‌زند؟ و یا از منافع سرمایه دفاع می‌کند؟ نیمی از دولت سوسیال دموکرات سوئد را زنان تشکیل می‌دهند و در مجلس هم رقم بالایی از زنان حضور دارند بحث امروز بورژواها در اینجا اینست زنان بیشتری در هیات رئیسه شرکتها، مدیریت‌های اداری و... شرکت داده شوند، مگر در شرکتها و حضور در هیات رئیسه بستگی به مقدار سرمایه (تعداد سهام در شرکت) ندارد؟ تازه حضور در هیات رئیسه شرکتها و مدیریتها مگر به معنی دخالت زنان سرمایه‌دار و متخصصین در استثمار هر چه بیشتر کارگران و دخالت بیشتر در بهره‌کشی و ستم بر زنان زحمتکش نیست؟ بحث اینان کاستن مشقات زنان کارگر در داروسازی‌ها، اتومبیل‌سازی‌ها و... نیست، چرا که آنجا زنان و مردان باید چرخ تولید را بچرخانند تا سودآوری سرمایه تامین شود، استثمار شوند و ارزش اضافی تولید کنند، اینست آن ریشه اصلی نابرابری‌ها و ستم‌کشی زنان.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی که دین و دولت در هم ادغام شده‌اند موضوع به مراتب بیشتر وخیم است، اینجا دیگر مذهب در سیاست، اقتصاد، قانون و در مسایل اجتماعی از نگهداری کودک گرفته تا مالکیت وارث و... هم دخالت دارد. نیازهای سرمایه از طریق قوانین اسلامی می‌گذرد، استثمار کارگران و

اشاره می‌کنم: زنی بهر دلیلی تقاضای پناهندگی از کشوری اروپایی کرده و جواب منفی گرفته و می‌خواهند اخراجش کنند، این حق آن زن است که بماند و اجازه اقامتش را بگیرد و در شرایط کاملاً زن ستیز جمهوری اسلامی زندگی نکند و برای این امر هم به حق نهادهای مدافع پناهندگی و از جمله زنان فعالیت می‌کنند تا آنجا که حتی فرودگاه را قرق می‌کنند، جلو مجلس می‌روند و به اشکال مختلف اعتراض می‌کنند، و آن متقاضی پناهندگی که برای پذیرش خود به درست نادرست کیس هم‌جنس‌بازی ارائه داده که اکثراً هم از قضا مرد بوده‌اند، تیترو اول صفحات اینترنتی انجمن‌های زنان را اشغال می‌کنند، بقول خودشان کمپین بزرگ راه می‌اندازند که جلو اخراج آن فرد گرفته شود، در این که این کار باید بشود شکی نیست، اما حالا بیایید مقایسه کنید: در ایران زیر سلطه دیکتاتوری جمهوری اسلامی که همان زن و همان فرد از آن گریخته‌اند، عده‌ای کارگر مبارز را که نه برای فرد خود، بلکه برای آزادی در کل جامعه، برای کسب حقوق کارگران مبارزه کرده‌اند، دارند زندانی می‌کنند و چند زن هوشیار هم دلیرانه به دفاع از آنها برخاسته‌اند، آنوقت مدعیان برابری، مدعیان دفاع از آزادی حتی حاضر نیستند خبرش را هم در سایت اینترنتی‌شان بگذارند و یا از رادیوشان پخش کنند، قسم حضرت عباس را باید باور کرد یا دم خروس را.

قضیه روشن است، اگر جنبش زنان می‌خواهد یک جنبش اعتراض اجتماعی باشد، اگر می‌خواهد یک جنبش برابری‌طلب باشد، اگر می‌خواهد علیه خرافات ارتجاعی و قوانین مذهبی ضد زن، علیه امتیازات جنسی و اگر می‌خواهد علیه نابرابری اقتصادی مبارزه کند و... نمی‌تواند میلیونها زن کارگر را فقط و فقط بعنوان زن نگاه کند. نمی‌تواند مناسبات طبقاتی را

و خواست خود را در برابر جامعه طرح کردند و نه تنها این، بلکه به سازمان دادن یک حرکت اعتراضی نیز پرداختند، حاصل اینکه به‌مراه ۱۷ زن مبارز دیگر، با اعتماد به نفس و شجاعت در کنار استاد دانشگاه و نویسندگان پرسابقه، شخصیت‌های اجتماعی و سیاسی دیگر نشستند، عضو همان کمیته و سخنگوی آن هم شدند.

این اولین بار است که در تاریخ مبارزه طبقه کارگر و مبارزه زنان ایران چنین اتفاقی می‌افتد. صحنه تاریخی افتخارآمیزی که مبارزه زنان را به ابعاد و جهتهای واقعی خود سوق می‌دهد، و هم اکنون طلایه‌های آن را می‌بینیم، مبارزه و اعتراض همسران کارگران مبارز شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه سرآغاز این موج جدید است. تا آنجا که به جنبش زنان مربوط می‌شود دو عکس‌العمل نسبت به این اقدام صورت گرفت.

۱- در داخل کشور، محافل و انجمن‌های مختلف لیبرالی و شعبات مختلف فمینیستی چه فصل‌های زنان و جنس دومی‌ها و جایزه نوبل بگیرها و غیره... کوچکترین حرکتی در پشتیبانی از این اقدام بعمل نی‌آوردند. و در خارج کشور نیز از جانب دسته‌های محافل، انجمن‌های و نشریات و سایتها و رادیوهای زنان این اقدام را کاملاً مسکوت گذاشت، آنرا نادیده گرفته و حتی بعضاً خبرش را هم اعلام نکردند، تا چه برسد به جانبداری و یا حمایت و اقدامی در آن جهت.

۲- عکس‌العمل دوم، بسیار ناچیز، کم دامنه و تنها به پخش خبر اکتفا کردن و یا حداکثر مصاحبه‌ای بود که میتوانست مدتی از برنامه رادیوشان را پر کند.

سئوال اینست که چرا چنین شد؟ جواب هم بسیار ساده است، این بخش از جنبش زنان این مبارزه را متعلق به خودشان نمی‌دانند، برای روشن شدن جواب به چند نمونه خارج کشوری

در تاریخ ۲-۹-۸۴ چند تن از زنان دلاور طبقه کارگر اطلاعیه‌ای صادر کردند و جهت دفاع از کارگران دستگیر شده اول ماه مه ۸۴ سقز، خواستار تشکیل کمیته دفاع از حقوق کارگران دستگیر شده گردیدند. هماهنگ با آن، اینان دست به اقداماتی و از جمله نوشتن نامه‌هایی به سازمانهای بین‌المللی کارگری و زنان و... زدند.

این اقدام با پشتیبانی وسیع و گسترده‌ای در سراسر کشور از جانب کل طبقه کارگر روبرو شد، نگاهی به لیست‌ها شاهد مدعاست. در عین حال در خارج کشور مورد پشتیبانی وسیع محافل مختلف کارگری، سازمانهای اجتماعی و سیاسی و تشکلهای کارگری کشورهای مختلف، بخش وسیعی از اپوزیسیون ایرانی و تشکلهای بین‌المللی کارگری قرار گرفت.

این عمل از دو جنبه اهمیت ویژه‌ای یافت:

۱- دامن زدن به دفاع و پشتیبانی گسترده از کارگران محکوم شده و بعبارت خود این زنان، دفاع از کل طبقه کارگر و ایجاد فضای همبستگی و هم سرنوشتی کارگری.

۲- به جلو صحنه آمدن زنان طبقه کارگر و فریاد و اعتراض آنان علیه بی‌عدالتی‌ها.

در شرایط دیکتاتوری و خفقان جمهوری اسلامی که بقول یکی از همین زنان نفس کشیدن هم ممنوع است، پا جلو صحنه مبارزه گذاشتن و فریاد اعتراض سردادن نسبت به وضع و شرایط اسفبار زندگی کل زنان و مردان کارگر و زحمتکش نه تنها شهامت می‌خواهد، بلکه انگیزه و دلیلی جز برابری‌طلبی و عدالت و آینده‌ای بدور از ستم و نابرابری نمی‌تواند داشته باشد: «من یک زن معترض علیه بی‌عدالتی و مادری هستم که آینده بهتری را برای بچه‌های خود و دیگر بچه‌ها خواستارم». (عایشه جهانپور) اینان جلو صحنه آمدند، اعتراض

به استقبال اول ماه روز جهانی کارگر بشتابیم!

اول ماه مه نزدیک است. به تدارک و برپایی هر چه باشکوهتر این روز و مراسم مستقل خودمان بپردازیم. اول ماه مه، روز ماست و این روز را به تجمعاتمان، با مراسم مستقل و باشکوهمان به روز قدرت نمایی کارگران در مقابل دولت سرمایه و کل طبقه سرمایه داری تبدیل کنیم. اکنون که همه توجه ها در دنیا به سمت ایران است، باید نشان دهیم که ما کارگران سرنوشت جامعه را رقم می‌زنیم. دولت و سرمایه‌داران تلاش می‌کنند، با مجوز ندادن‌ها و با ممانعت‌ها در مقابل صف آرای ما کارگران بایستند، اما ما منتظر مجوز نمی‌مانیم و با اتکا به نیروی مستقل و اتحاد خودمان روز همبستگی جهانی‌مان را برپا می‌کنیم و با شعارها و پلاکاردهای سرخ خود را نام واحدهای کارگری‌مان را بر آن نوشته‌ایم، دست به راهپیمایی می‌زنیم. رفقای کارگر!

در اول ماه مه امسال رساتر از گذشته اعلام می‌کنیم که شوراهای اسلامی این چماقداران و ارگان‌های ضد کارگری باید منحل شوند! فریاد می‌زنیم که تشکل ضد سرمایه‌داری مستقل از دولت، حق مسلم ماست! اعلام می‌کنیم که ما دیگر به سانسور و خفقان و زور تن نمی‌دهیم و صدای اعتراضمان را به گوش جهانیان خواهیم رساند! اعلام خواهیم کرد که ما دیگر به زندگی زیر خط فقر تن نخواهیم داد و حداقل دستمزدهایمان نباید کمتر از پانصد هزار تومان در ماه باشد! اعلام می‌کنیم که دیگر اجازه نخواهیم داد رهبرانمان را به جرم دفاع از کارگران به زندان و تبعید فرستاده شوند! اعلام می‌کنیم که ما خواهان لغو حکم‌های زندان و تبعید علیه رهبران و فعالین کارگری و شکنجه و اعدام هستیم.

اول ماه مه روز ماست. در این روز اعلام خواهیم کرد که ما در مقابل هرگونه تفرقه و تبعیض بر اساس جنسیت، قومیت، ملیت و غیره خواهیم ایستاد. ما یک طبقه جهانی هستیم. ما سازندگان نیازهای بشریت هستیم، خود ما نیز بهتر از هر کس می‌توانیم به عنوان یک طبقه جوامع بشری را اداره کنیم.

گرامی باد اول مه، روز همبستگی جهانی کارگران

انجمن کارگری جمال چراغ ویسی

مه ۱۳۸۵

⇒ ستم کشی زنان به مراتب شدیدتر و بیرحمانه‌تر است، در اینجا نه تنها مبارزه علیه مناسبات سرمایه‌داری، همچنین مبارزه پیگیر علیه مذهب و همه بنیادهای سرمایه، مردسالاری و کهنه پرستی جز یک مبارزه متحدانه طبقاتی راه میان‌بر دیگری برای رسیدن به برابری واقعی وجود ندارد. این است آن گره اساسی همه کم توجهی‌ها به حرکت فراخوان زنان کارگر، چرا که این حرکتی است که دست به ریشه می‌برد و علیه همه بی‌عدالتی‌ها اعتراض می‌کند، در حالیکه فمینیسم این سنت و گرایش لیبرالی قادر نیست و نمی‌خواهد دست به مناسبات سرمایه‌داری و استثمار و ستم‌کشی ببرد. طبعاً سوسیالیست‌ها با هر نوع رفومی که تاثیر حتی اندکی هم بر کاستن ستم جنسی بر زنان بوجود آورد و حتی ذره‌ای این مناسبات را تغییر دهد مخالف نیستند، اما در این حد نمی‌مانند و تا برابری واقعی مبارزه می‌کنند.

برگرفته از «تریبون زن»

شماره ۱

اول ماه مه روز جهانی کارگر فوجست باد.



جهان امروز

نشریه سیاسی

حزب کمونیست ایران

سرمدییر:

هلمت احمدیان

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال دارید.

ha@cpiran.org

شماره حساب جهان امروز

S-E Banken F-S
53682990054

– «جهان امروز» تنها مطالبی را که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد چاپ می‌کند.

– استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.

– مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.

– جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسندگان می‌رسد.

– مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴۰ با سایز ۱۶ می‌باشد.

صدای حزب کمونیست ایران

هر شب: ۲۰ - ۲۱

صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

صدای انقلاب ایران

صبح‌ها: ۷ - ۸

ظهرها: ۱۳ - ۱۴

عصرها: ۱۹ - ۲۰

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

صدای کومه‌له

رادیوی ماهواره‌ای ۲۴ ساعته

بر روی فرکانس ۱۱۰۱۳

در مجموعه «هات برد»

فرکانس و مکان پخش برنامه های

صدای کومه‌له را به اطلاع

دوستان و آشنایان خود برسانید.

تریبون زن

را با تماس با آدرس پستی و الکترونیکی زیر می‌توان سفارش داد. هزینه هر تک شماره نشریه معادل ۳۰ کرون سوئد به اضافه هزینه پستی آن است.

ronakashnagar@hotmail.com



T.zan / B ox 2018
127 02 skärholmen
Sweden



زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

آزادی یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه‌داری. یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت‌آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی. یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد

طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بی‌حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پیله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش‌های خرافه‌آمیز و عقب‌مانده جامعه موجود. رهایی از ستم‌های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.

برابری یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره‌مندی از محصولات و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه در راه فائق آمدن بر هر عقب‌ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی و وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قراردادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسان‌های سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل می‌شود.

حکومت کارگری یعنی حکومت طبقاتی کارگران، حکومت استثمارشدگان و تولیدکنندگان کل ثروت جامعه بر علیه استثمارگران، حکومت بردگان مزدی امروز و ناجیان فردای جامعه، حکومت کسانی که جامعه نفس موجودیت و ثروت آن بر کار و تلاش مداوم آنها بنا شده است. حکومت کارگری یعنی طبقه کار متشکل بعنوان قدرت و طبقه رهایی بخش حاکم، حکومت کارگری یعنی دموکراسی برای کارگران و زحمتکشان و استثمار شونده‌گان و سرکوب مدافعان فقر و فلاکت، استثمار و جهل و خرافه حکومت کارگری یعنی اجرای واقعی آزادی و برابری.

برنامه‌های تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست ایران به مناسبت اول ماه مه!

اعضا و فعالین حزب کمونیست ایران در خارج کشور هر ساله در مارش جهانی اول ماه مه در کنار احزاب چپ و اتحادیه‌های رادیکال کارگری شرکت کرده و در برخی از شهرها نیز مراسم اول ماه مه شامل سخنرانی، شعر و سرود، موزیک، پیام سازمان‌ها و جریان‌ات و... برگزار خواهند کرد. اطلاعات مربوط به زمان و مکان این برنامه‌های را جهت اطلاع شرکت کنندگان به شکل زیر به اطلاع می‌رسانیم.

مراسم اول ماه مه

استکهلم: جمعه ۲۸ آپریل ساعت ۶ و نیم عصر در «شیستا ترف»
یوتبورگ: شنبه ۲۹ آپریل ساعت ۱۸ تا ۲۴ در «فولکت هوس هامارکولن»
تورونتو: شنبه ۲۹ آپریل ساعت ۲ بعد از ظهر، توسط کمیته برگزاری روز اول مه

هلسینکی: شنبه ۲۹ آپریل ساعت ۱۷ تا ۲۴

استرالیا: یکشنبه ۷ مه ساعت ۱۱ صبح در «هاید پارک شمالی»

تظاهرات روز اول مه

استکهلم: ساعت ۱۲ روز اول مه در میدان «میدبوریار پلاتسن»
یوتبورگ: ساعت ۱۱ صبح در میدان «یرتوریت»
وستروس: ساعت ۱۱ صبح در «یمنکه بریت»
استرالیا: یکشنبه ۷ مه ساعت ۱۱ صبح در «هاید پارک شمالی»
فرانکفورت: ساعت ۹ و نیم صبح روز اول مه
کاسل: ساعت ۱۰ صبح در مقابل دفتر DGB اتحادیه سندیکاهای کارگران

اطلاعات بیشتر در مورد آدرس مراسم و تظاهرات هایی که بمناسبت اول ماه مه در مکان‌های فوق و مکان‌هایی که هنوز بدست ما نرسیده بود را در سایت‌های اینترنتی حزب مشاهده خواهید کرد.

دفتر نمایندگی کومه له

K.K. P.O.Box75026
Box 750 26 Uppsala- Sweden
Fax: +46-18-46 84 93
Tel: +44-7746163103

دوشنبه و جمعه
ساعت ۱۹ تا ۲۲ به وقت اروپا
komala@cpiran.org

دفتر نمایندگی کومه له

در سلیمانیه
Tel . 3124760 - 3125815

کمیته مرکزی کومه له
Tel. 0044-70-775 207 81
komalah@komalah.org

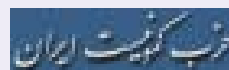
آدرس‌های

حزب کمونیست ایران و کومه له

دبیرخانه حزب کمونیست ایران
C.D.C.R.I. Box 704 45
107 25 Stockholm - Sweden
Tel +46-08-86 80 54
E-mail: cpi@cpiran.org

کمیته خارج کشور حزب
K.K.H.K Box 704 45
107 25 Stockholm - Sweden
E-mail: khh@cpiran.org

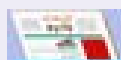
از سایت های حزب کمونیست ایران و کومه له دیدن کنید!



سایت حزب کمونیست ایران
www.cpiran.org



سایت کومه له
www.komalah.org



پیشرو ارگان کمیته مرکزی کومه له به زبان کردی
هر ۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

پیشرو را می‌توان در سایت کومه له چاپ و به دست علاقمندان رساند.